

## آیا سرمایه داری می تواند نظامی دمکراتیک باشد؟

نادر احمدی



سرمایه داری نظامی است که بر پایه استثمار فرد از فرد بنا شده است و به موجودیت خود ادامه می دهد. دولتهای سرمایه داری در غرب و شرق حقانیت خود را بر اساس رأی مردمی می دانند که هر چند سال یکبار به پای صندوقهای رأی می روند و به دشمنان خود رأی می دهند. بر این اساس جورج بوش، احمدی نژاد، هیتلر، موسلینی و حتی صدام حسین نماینده اکریت مردم خود بودند و هستند!؟ در هر انتخابات مردم بر اساس عادت به کسانی رأی می دهند که بیشتر شناخته شده هستند و با داشتن توان مالی برای پرداخت هزینه های انتخاباتی بیشترین تبلیغات را برای فریب افکار عمومی به عمل می آورند. کاندیداهای برگزیده شده بعد از پیروزی، دقیقاً خلاف تمام آن چیزهایی را که قبل از انتخابات به مردم قول داده بودند اجرا میکنند زیرا آنها باید منافع کسانی را تأمین کنند که هزینه های انتخاباتی آنها را می پردازند و یا از آنها حمایت سیاسی می کنند.

در قوانین مصوبه دولتهای سرمایه داری به طور تبلیغی و صرفاً بر روی کاغذ، همه مردم از حقوق برابر برخوردارند، شکنجه، تبعیض و ستم ممنوع است اما آیا برآستی مردم خارجی در اروپا و آمریکا در عمل از حقوق برابر با اروپائیها و آمریکائیها و ثروتمندان برخوردارند؟ و حتی بیکاران و فقرای اروپایی و آمریکایی از حقوق برابر با دیگران برخوردارند؟ آیا میتوان دولتهای آمریکا و ایران را که با رأی اکثریت ناچیز مردم انتخاب شده اند تا در کنار دولت چین به عنوان رکورد داران اعدام در جهان که **قربانیان خود** را در تعداد زیاد به جوخه های مرگ می سپارند دمکراتیک نامید؟ در آمریکا 2 میلیون نفر که عمدتاً سیاهپوست هستند برای مدتهای طولانی در زندانها نگهداری می شوند تا در مجتمع های صنعتی که در زندانها ایجاد شده اند مجانی برای سرمایه داران کار کنند.

در آمریکا ی پرچمدار دمکراسی بورژوازی، 40 میلیون نفر از مردم فاقد بیمه های خدمات درمانی هستند و در اروپا با الگوبرداری از آمریکا و گسترش قدرت کمپانی های خصوصی، کیفیت و کمیت خدمات درمانی برای اقشار فقیر پیوسته در حال کاهش و قدرت خرید آنها کم می شود.

بیانیه جهانی حقوق بشر مصوبه دولتهای بورژوازی، در ماده 25 خود چنین می گوید: **هر انسان حق دارد که از استاندارد یک زندگی سالم و کافی برای خود و خانواده اش شامل: غذا، لباس، مسکن، خدمات درمانی و تأمین اجتماعی در صورت بیکاری، مریضی، ناتوانی جسمی و روحی، طلاق و دوران پیری و شرایطی که خارج از کنترل او است برخوردار شود.**

بر مبنای این بیانیه می توان با قاطعیت گفت که تمامی دولتهای امضا، کننده این بیانیه ناقض حقوق بشر هستند زیرا هیچ دولتی در جهان حتی بطور نسبی محتوای این بیانیه را اجرا نمیکند.

**در واقع باید استثمار فرد از فرد به عنوان فاحش ترین چهره نقض حقوق بشر به رسمیت شناخته شود زیرا استثمار فرد از فرد مبنای تمامی مصائبی است که تا کنون نسل بشر با آن مواجه بوده است و هنوز می باشد.**

دمکراسی صرفاً یک دستور حکومتی بر روی کاغذ نیست بلکه شهروندان باید به درجه ای از رشد فکری و اجتماعی برسند که ضمن احترام به حقوق همدیگر بتوانند در مقابل تهدیدات نظام حکومتی برای تجاوز به حقوق آنان، از خود دفاع کنند.

تمرین دمکراسی و احترام به حقوق همدیگر شرط ضروری اجرای عملی آن می باشد. دولتهای سرمایه داری که ناقض حقوق شهروندان خویش هستند و پول مالیات مردم را نه در خدمت به مردم، بلکه برای سرکوب آنان، تولید جنگ افزار و جنگ افروزی و کشتار انسانها صرف می کنند نه تنها دمکراتیک نیستند بلکه دشمنان بشریت هستند.

چگونه می توان دولتی مثل دولت آمریکا را که با قتل عام بومیان سرخپوست تأسیس شد، با برده داری سیاهپوستان آفریقایی رشد کرد و به جنگ در ویتنام و دخالت در شیلی، ایران و عراق و افغانستان و دگر نقاط جهان می پردازد، دمکراتیک نامید؟ آیا میتوان جنایات دولتهای انگلیس، فرانسه، بلژیک، هلند، اسپانیا و پرتغال و .... را در آفریقا، آسیا و آمریکای شمالی و جنوبی فراموش کرد و آنها را دمکراتیک نامید؟ آیا ماهیت آنها تغییر کرده است؟ مگر نه اینکه تمام این دولتها اکنون نیز در پیمان ناتو متحد هستند و به عراق و افغانستان لشکر کشی کرده اند و تمامی کشورهای نفت خیز و ثروتمند جهان در معرض تهدید آنان قرار دارند؟ مگر همین کشورهای به اصطلاح دمکراتیک نبودند که در جنگ کره به کمک آمریکا شتافتند تا مردم کره را قتل عام کنند؟ مگر سازمانهای اطلاعاتی همین کشورها نبودند که برای مقابله با نفوذ شوروی سابق، طالبان را در مدارس مذهبی پاکستان ایجاد کردند و رژیم جمهوری اسلامی را

در ایران بر سر کار آوردند و به عبارت دیگر مردم ایران و افغانستان را قربانی منافع خود کردند؟! در جریان جنگ ایران و عراق دهها کمپانی اسلحه سازی غربی تمام اسلحه های شیمیایی و غیر شیمیایی از رده خود را به عراق فروختند تا آنها را بر روی سربازان ایرانی و غیر نظامیان کرد ایرانی و عراقی امتحان کنند. در شرایط کنونی کشورهای شدیداً!! دموکراتیک سرمایه داری برای برقراری دموکراسی در عراق با توپ و تانک و بمباران هوایی به آن حمله کردند و با استفاده از بمبهایی که در آنها اورانیوم تضعیف شده بکار رفته باعث آلودگی محیط زیست شده و در نتیجه بیماریهای سرطانی شدت در عراق و بخصوص در بین کودکان شیوع پیدا کرده است و تاکنون حداقل 600 000 نفر از مردم عراق و خصوصاً کودکان قربانی شده اند. **مبارزه برای حقوق بشر و دموکراسی از مبارزه با سرمایه داری و امپریالیسم جدا نیست.**

**اگر فیلم مستند آقای مایکل مور را باور کنیم، دولت آمریکا و خانواده بوش که رابطه حسنه تجاری با دربار سعودی و خانواده اسامه بن لادن دارند خانواده بن لادن و از جمله برادر او که ساکن آمریکا بوده اند را قبل از حملات 11 سپتامبر با هواپیما، در حالی مخفیانه از آمریکا خارج کرده اند که کلیه پروازها متوقف شده بودند.**

این فیلم و بسیاری از ناظران معتقدند که دولت آمریکا با آگاهی از طرح القاعده نه تنها مانع آن نشده است بلکه خود در موفقیت آن مشارکت داشته تا بتواند با فضا سازی مناسب شرایط حمله به افغانستان و عراق را ایجاد کند. همانطور که خمینی گفت حمله عراق به ایران و کشته شدن یک میلیون نفر برای رژیم ایران نعمت خدایی بود، حمله القاعده به نیویورک نیز یک نعمت خدایی برای دولت آمریکا و کمپانی های آمریکایی بود. برای آنکه متوجه شویم که کشته شدن 3000 نفر در وقایع 11 سپتامبر هیچ واقعه مهمی نبود بلکه بطور اغراق آمیزی بزرگش کردند، بد نیست بدانیم که در آمریکا هر روز 1500 نفر بر اثر سرطان می میرند و سالانه بیش از 60 000 نفر بر اثر شلیک گلوله تفنگ که حمل آن در آمریکا مجاز است به قتل می رسند و درحالیکه مخلفان آزادی حمل اسلحه تلاش زیادی میکنند تا حمل اسلحه را بطور قانونی ممنوع کنند اما دولت آمریکا که نگران جان مردم نیست بلکه نگران کاهش سود کمپانیهای اسلحه سازی است مانع تصویب این قانون می شود.

دولت و ارتش آمریکا روزانه دهها میلیون دلار از پول مالیات مردم آمریکا را به کمپانیهای اسلحه سازی آمریکایی میدهند تا انواع بمبها و اسلحه های جدید خود را در عراق امتحان کرده و جریان نفت ارزان برای کمپانیهای نفتی آمریکایی و انگلیسی را تضمین کنند.